



بهای اشتراك

مذاكرات مجلس شورای ملی سالانه ۲۰۰ ریال
مذاكرات مجلس سنا ۲۰۰
آگهی ها ۶۰۰
مذاكرات مجلسین و آگهی ها ۹۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۱۸۲

۱ شنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۳۴

سال یازدهم

نماره مسلسل ۱۸۹

وره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۸۹

صورت مشروح مذاكرات مجلس روزيك شنبه

دهم دی ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱) طرح صورت مجلس جلسات ۷ و ۵ دیماه
۲) سؤال آقای شوشتری راجع بکارخانجات داخلی و جواب آقای معاون نخست وزیر
۳) سؤال آقای خلعت بری راجع باراضی فرودگاه رانسر و جواب آقای وزیر راه
۴) سؤال آقای صدرزاده راجع بپل فهایان و جواب آقای وزیر راه
۵) طرح گزارش کمیسیونهای دارائی و نظام راجع بشورود بیمه کادرنایب ارتش و ژاندارمری
۶) اعلام تصویب صورت مجلس جلسات پنجم و هفتم دیماه
۷) بقیه مذاکره و تصویب گزارش کمیسیون دارائی و نظام راجع بیمه افراد کادرنایب ارتش و ژاندارمری
۸) تقدیم يك فقره سؤال بوسیله آقای پورسرتیب
۹) طرح گزارش کمیسیون دارائی راجع بمیزان حق الحفاظه بانك کارگشائی
۱۰) معرفی آقای دکتر علیقلی اردلان بوزارت امور خارجه بوسیله آقای نخست وزیر
۱۱) بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون دارائی راجع بمیزان حق الحفاظه بانك کارگشائی
۱۲) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای امان الله اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس
جلسات پنجم و هفتم دی

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه

قبل قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: اکبر، دکتر -

مشیر فاطمی، مسعودی، گیو، دکتر آهی، صفاری، قراگزلو، پیراسته، نفة الاسلامی، اخوان، یدالله ابراهیمی، امید سالار، محمودی، مرتضی حکمت، خرازی، باقری و شیری، بوربور، مکرم، شادلو، خزیمه علم، عبدالرحمن فرامرزی، احمد فرامرزی، دکتر سید امامی، آحشمتی، اورنگ، دکتر نیرومند، مصطفی ذوالفقاری

غائبین بی اجازه - آقایان: نراقی، سهرابی، مهندس شاهرخ شاهی، سعیدی، اریه، شفیع، قوامی، عبدالحمید بختیار، دولت آبادی، امیر تیمور کلالی، پرومند،

کدبور، سلطان مراد بختیار، مهندس اردبیلی، بزرگ ابراهیمی، دکتر حمزوی، یارافشار معینزاده، محمود ذوالفقاری

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: دکتر افشار، صرافزاده، قنات آبادی، کریمی، حائریزاده، ارباب، صارمی، میراشرافی، حمیدیه، رضائی، محمود افشار، فرود، تجدد، سرمد، دولت شاهی.

دیر آمدگان و زود رفتگان بی اجازه - آقایان: مهندس ظفر، مستندجی، دکتر پیرنیا، غائبین در رأی - آقای تربتی چهاررأی، آقایان مشایخی، استخر، عباسی، کریمی، بهادری، بیات ماگو، مهندس ظفر بک رأی

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟ (کریمی - بنده عرضی دارم) بفرمائید

کریمی - بنده در رأی حاضر بودم بنده را غایب نوشته بودند

نایب رئیس - تحقیق میشود آقای صدرزاده

صدرزاده - در صورت جلسه دو

که اصلاح داشت اصلاح کرده، یادم بهتند نویسی

نایب رئیس - بسیار خوب امروز سؤالات مطرح است یک نفر دیگر لازم

است برای اینکه اعلام تصویب صورت جلسات قبل را بکنم

۴- سؤال آقای شوشتری

راجع بکارخانجات داخلی

و جواب آقای معاون

نخست وزیر

نایب رئیس - آقای شوشتری آقای معاون نخست وزیر بسؤال شما جواب میدهند

بفرمائید قبل از اینکه آقای شوشتری صحبت کنند عرض میکنم از آقایان تمنی میکنم که حالاً که تشریف آورده اند

تشریف داشته باشند بنده اجازه نمیدهم، بفرمائید (صدرزاده - حاضریم برای انجام وظیفه)

شوشتری - این سؤال

بنده که تقریباً یازده ماه از موقع آن گذشته است البته در این مدت از طرف دولت جواب داده شده است این سؤالی که کردم از نظر انجام وظیفه است و تصور میکنم هموم آقایان نمایندگان محترم مایلند بفهمند در

ایران از زمان نهضت اعلیحضرت فقید وجه بعد از آن چند کارخانه تأسیس شده و تعداد کارخانهها چقدر است (بعضی از نمایندگان - آقا صدای ایشان نمیرسد) اگر آقایان توجه کنند صدای بنده طوری است که میرسد مگر بی لطفی نکنند و گوش ندهند.

نایب رئیس - آقای شوشتری سؤالتان را از وزیر بفرمائید

شوشتری - عرض از این سؤال این بود که مجلس و مملکت بدانند تعداد کارخانهها و وضعیت فعلی کارخانهها و نظری که دولت برای اداره کارخانهها بعداً دارد چیست و چه جور فکر میکنند که مملکت از نظر آنچه که کارخانجات تولید میکنند و برای رفع حوائج ابناء مملکت ضروری است ما بفهمیم مشیمان چیست طریقته کارمان چیست

این مذاكرات مشروح يكصد و هشتاد و نهمین جلسه از دوره هجدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

دولتها چه برنامه‌های داشته اند برای بعد چه برنامه‌های دارند چون اقتضای زمان در تاسیس کارخانه در خدمت به مملکت مدخلیت تمام و تمام دار در موم صنایع الدوله یک وقت آمد کارخانه نغریسی را در این مملکت آورد و بزرگترین فضا کاری را کرد شاید بعلت همان رقابت خارجی که دیدند اینها ایران دارند بیدار میشوند و خودشان کارخانجات تاسیس می کنند و رفع حوائجشان را خواهند کرد و از نظر اقتصاد و تجارت رفع نیازمندیشان خواهند شد همین منجر به قتل موم صنایع الدوله شد جناب آقای حاج حاج‌الملك اردلان که الان یشت میز ریاست جلوس فرموده اند تصدیق میکنند که عرایض من منطبق با تاریخ ایران و وضعیت ایران است مرحوم حاج محمدحسن امین‌الشراب آمد کارخانه قند که بزرگ را ایجاد کرد دچار آن پول ۶۰ تا یکقران و ۰۰ تا یکقران ۰۰ تا یکقران شد این جریان کارخانجات مملکت بود تا وقتیکه نهضت شاهنشاهی فقیه رضوان الله علیه پیش آمد آن پادشاه افکارش را ب دیگران نمیگفت اما آنانکه با او نزدیک بودند از سخن فراموش متعذر بودند متوجه بودند که بتدریج نرم نرم میل دارد توی این مملکت بقدر ضرورت کارخانجاتی ایجاد بشود که دست کدانی ما بسوی بکران دراز نکنیم و کموری که فقط و فقط نفت نفس دارد آن دو سه تا کارخانه خوب آهن است که اگر این کشور آن را داشت مثل امریکا مثل روسیه مثل کشورهای دیگر محتاج هیچ چیز خارجی نبود اگر اینها را بکشور وارد بکنیم ما بی نیاز خواهیم شد اعلیحضرت فقید نرم نرم شروع کرد اول فکری که کرد نمایانم آقای رضا افشار اینجا شریف دارند یا نه (چند نفر از نمایندگان - شریف دارند) این بود که در دوره پنجم مالیات قند و شکر و چای آمد برای احداث خط آهن کشور آقای رضا افشار نظرشان باشد در موقعیکه آن قانون را میگذرانیم برای اینکه احداث خط سراسری ایران شروع بشود بعضی ها استفاده میکردند از سنگین کوشی مرحوم حاج معین بوشهری که واقعا مردی وطن دوست و خدایرست و وطن خواه و ایران دوست بود با حاج میرزا ابوطالب اسلامیه آمدند خدمت مرحوم رضا شاه من و مرحوم آقایان نوری و آقایان - حیدر نوری زاده و حاج سید محمد اسلامبولچی آنجا بودیم دیدیم اسلامیه استدعا کرد از رئیس محترم دولت یعنی شاهنشاه فقید که آنچه قند و شکر قبلا سفارش داده شده و هنوز نیامده بگمرکات و بعداً ما بیاید یا وارد شده بگمرکات مستثنی از این عوارض بشود این را استفاده کرده بودند بعضی ها و حاج معین متوجه نبود من دیدم مطالبه را خیلی ساده دارند در ذهن مرحوم شاه فقید می گنجاند عیبانی شدم حرکت کردم گفتم ابتدا حضرت اشرف چنین موافقتی نخواهند

فرمود گفت برای چه؟ گفتم که یکمده از تاجار و رشکست خواهند شد یکمده تند را می آورند ارز آنرا اما مردم دیگر باید با عوارض بخرند اول اعلیحضرت متوجه نبودند بنده تشریح کردم بعد که آقای رضای افشار مطلب را توضیح داد اعلیحضرت فقید گفتند تعجب میکنم چقدر فلانی نکات را متوجه است این راه هم عرض بکنم که غرض از تاسیس کارخانه این بود که بمقتضای زمان ما فکر میکردیم که کارخانجات در مملکت می آیند و پارچه و قند و چیز های دیگر در داخله تهیه میکنیم که دستمان از خارج کوتاه بشود اما یک مطلب هست آن اینکه باید موقع را تشخیص بدهیم و عمل را جوری بکنیم که دیگران رقابت نکنند یعنی مثلاً یک پارچه مال التجاره نیاورند متری ۱۷ ریال و مردم و تجار بخزنند و بعد از دو ماه دیگر بیایند بدهند ۱۰ ریال و اینقدر بیایند ما باقی که با وجود اینکه ما پنبه و پشم مملکت خودمان را بدون عوارض گمرکی مصرف بکنیم باز در کارخانجات داخلی بقیعتی تمام شود که گرانتر از جنس آنها باشد و اینها بیاورند و ارز آنرا بدهند چرا؟ برای اینکه کارخانه‌ها در مملکت ما ورشکست بشود یکی از اشکالات کارخانه های ما اینست که در زمانی که آن متغورین توده‌ای در کار بودند چهار تا وزیر به مملکت تعجیل کرده‌های تودهای میردند در کارخانجات تا کار بجائی برسد که هر چه عوائد کارخانه اگر هست اجرت بدهند کارخانه نصاب نداشته باشد یعنی صرف نکند و نصاب سرمایه پدر آمدش نخواند با هو چکر بهائی که راجع به کارخانه شد همه حس کرده اند و آن کسی که اهل تجارت است و نظر دارد این نظر من را تصدیق میکنند که در صد صد صحیح است حالاهم من سؤال کردم غرض من آقایان نمایندگان دستی و کارخانجاتی که از او بیا آمده است چند تا است چه تهیه میکنند چه جور باید دولت از این کارخانه‌ها حمایت بکنند ضرر نخورد و ما بی نیاز بشویم نه اینکه بیایند و افسار را بردارند یک کارخانه چی شب عید نوروز که میشود در ایام دینی در ایام اعیاد باستانی اعلام میکند که من نیستم اما در شب زانو به میز میگردد قبلا و هفت هزار تومان پول میدهند (بهداری - این حرفها چیست؟) اجازه بدهید آقایان عیوب را باید گفت این را با اطلاع و حتم و قطع که تمام باید سرمایه کارخانجات را دولت در نظر بگیرد مواد اولیه را در نظر بگیرد و مشق هادله را در نظر بگیرد آنوقت جلو بگیرد یعنی اگر در مملکت ۹ میلیون متر پارچه تهیه می کنیم و ۱۰ میلیون متر نیاز داریم ۹ میلیون متر اجازه ندهد برای ۵ میلیون متر اجازه بدهد که وارد بشود همینطور راجع به قند و شکر و سایر چیزها

و کارخانجات دستی آقای ناصر ذوالفقاری مادر صنایع دستبازان چیزهایی داشتیم الان یک دانه روز قوری کارمخمل با اگر با هر یکا برود ۵ هزار دلار پول میدهند یکمده قالیچه مخمل باق را که در زائران حضرتانی خرید چند روز قبل در نیویورک صد و نود هزار دلار فروخته اند کارخانجات دستبازان باید تقویت بشود از این جهت من سؤال کردم خواستم بفهمم دولت چه برنامه‌های دارد آیا سود اینها را چه جور حساب میکند چه جور نصاب کارخانه را تعیین میکنند چه جور منافع کارخانه‌ها را تعدیل میکنند چه جور کارخانه‌ها را مدیرانشان را مسئول میکنند که شما اگر دارای صدها از تومان عایدی هستی باید ۱۵ هزار تومان مالیات بدهی بصورت خلاصه میتوان گفت فعلا کارخانجات ماشینی کشور بالغ بر هزار مؤسسه میباشد که در رشته‌های مختلف - ریسه کفی و بافندگی - قند - سیان - پنبه پالک کفی - چای - آرد - شیشه و بلور - سیاسی هست دیگران که متجاوزند میگویند ما مدافع هستیم دیگران متجاوز هستند مگر کلمه تدافع را تجاوز تلقی کنیم این ابراهیم اف کیست؟ این جرت و یرتها چیست؟ درست گوش بکنید مایه ملت هستیم آزاد قرار داد تدافعی می بینیم برای چه برای اینکه از قرارداد های تجاوری خودمان را مصون کنیم موقعی که تدافعیمان را تجاوز قلمداد میکنند با کارخانه‌های ما هم البته رقابت میکنند اینها را کی باید درست کند؟ این سؤال من آقای ناصر ذوالفقاری جوابش را شما میباید میدید وزیر مسئول باید بیاید توی مجلس شورای ملی توضیح بدهد که بعد کارخانجات چقدر است تعداد کارگرها چقدر است سرمایه مملکت چقدر است و چقدر نیاز دارد به این لوازم کارخانه‌های برای بعد چه فکری باید بکنیم غرض من این بود حالا اگر جنابعالی باین تشریح است عرض کردم چون می بینم که در تمام باید بوظیفه وجدانی و امانت داری عمل کنیم بنده این سؤال را کردم حالا اگر جناب عالی باینان رشیق و شیوا بیاید آقایان نمایندگان وارد آمدند تا آنرا قانع کنید زهی تعسیر زهی تقبیس و اگر قانع نشدم من بسهم خود ادامه خواهم داد شاید در این راه بتوانم یک خدمتی بمملکت و ابنا مردم بکنم

نایب رئیس - آقای شوشتری - البته جناب آقای ناصر ذوالفقاری صورتی را وزارتخانه تهیه کرده داده است ایشان و ایشان صحبت میکنند و منظور نظر مسائل را کاملا در دست میگیرند بنده خود در دوره پنجم در آذربایجان و بعدا هم کارخانه ریسه کفی و بافندگی آذربایجان و کارخانه وطن اصفهان و تبریز و سایر کارخانجات تاسیس و شروع بکار نمودند .

باین ترتیب ملاحظه میشود که قدم اساسی صنعتی شدن کشور در حدود رفع احتیاجات داخلی نیز مثل سایر پیشرفتهای حقیقه در زمان اعلیحضرت شاه فقید عملی گردیده است .

بطور خلاصه میتوان گفت فعلا کارخانجات ماشینی کشور بالغ بر هزار مؤسسه میباشد که در رشته‌های مختلف - ریسه کفی و بافندگی - قند - سیان - پنبه پالک کفی - چای - آرد - شیشه و بلور - تولید نیروی الکتریسته - و روغنکشی - فلز کاری و غیره قسمتی یا کلیه احتیاجات کشور را تأمین مینمایند . و وزارت صنایع مشغول تهیه و تنظیم آمار از صنایع کشور میباشد که بزودی چاپ و در دسترس عموم گذارده خواهد شد .

راجع باینکه کارخانه‌های موجود برای صاحبان آنها سود و یا زیان دارد یا مستحضر میرساند که عمده از کارخانه‌های ریسه کفی و بافندگی در سالهای اخیر دچار وضع بحرانی گردیده اند و برای رفع بحران آنها در کمیته‌یونی نیز که از طرف دولت تعیین شد مطالعاتی بعمل آمده و تصمیماتی اتخاذ گردیده است تا این دستگاههای صنعتی بتوانند کمابکان بکار خود ادامه دهند .

این نکته را نیز باید در نظر داشت که کارخانهای فعلی کشور در صورتیکه روی اصول صحیح فنی اداره شده و امور مالی آن نیز تحت نظارت دقیق قرار گیرد علاوه بر اینکه زیانی ندارد سود قابل توجهی هم خواهند داشت منتهی در بعضی از کارخانها با وجود کمکهاییکه از طرف دولت بآنها شده بعلت آنکه امور فنی و مالی آنها بر اساس صحیحی اداره نمیشود دچار بحران گردیده اند .

در قسمت اینکه نماینده محترم سؤال فرموده اند تاسیس کارخانه مفید برای کشور میباشد یا خیر باید اضافه نمایم که یکی از کشاورزی ترین کشورهای جهان از بین ممالک کوچک دانمارک و از بین ممالک بزرگ کشورهای متحد امریکاست همذک این دو کشور صنایع بسیار مهمی نیز دارند هسته و در ایران نیز باید برای توسعه صنایع اقدام و صنایعی تشویق شوند که مواد اولیه آن از محصولات کشاورزی باشد (صحیح است) مانند صنایع نساجی و روغن کشی و یا کارخانهاییکه مواد اولیه آن در ایران یافت شود مانند سیمان و غیره .

است آیا فنی هستند یا هوجی هستند اینها چیزهایی است که برای مملکت باید گفته شود و الا فلان آقا می آید مثل فسلان محضردار که بدون مطالعه می آید باو اجازه میدهند بعد مثل حاجی ربابه و شس جلالی که دو میلیون و سه میلیون کلاه - برداری میکنند این باید مجازات بشود آن کسی که بدون مطالعه اجازه دادر کردن محضر باو داده است باید مجازات شود اداره ثبت مسئول است

نایب رئیس - آقای شوشتری - آقای شوشتری از موضوع سؤالتان خارج نشوید

شوشتری - صحیح است من خیلی متعجبم از تذکران انسان گاهی کنترل اعصابش را از دست میدهد جناب آقای معاون نخست وزیر باید دولت ضرورت و آنچه که هست مطابق با واقع آنچه را که ضرورت دارد در ستون ملاحظات بشوید که ما بفهمیم چه فکری برای مملکت کرده است (پنهانی - برای دوره نوزدهم)

نایب رئیس - آقای معاون نخست وزیر - البته همانطور که فرمودند موقعی که وزیر صنایع و معادن انتخاب شدند این صورت تهیه خواهد شد و تقدیم آقای شوشتری خواهد شد و من خواستم عرض کنم دولت يك تصمیماتی اتخاذ کرده است صورت این تصمیمات الان يك قسمتش حاضر است که چون وقت مجلس را میخواهم بگیرم آنرا تقدیم آقای شوشتری میکنم که ملاحظه فرمایند (احسنت)

۳- سؤال آقای خلعت بری راجع باراضی فرودگاه رامسر و جواب آقای وزیر راه

نایب رئیس - آقای خلعت بری - آقای وزیر راه توضیح بدهند بعد توضیح میدهم

نایب رئیس - آقای وزیر راه (سر لشکر انصاری) - درباره اراضی فرودگاه رامسر توضیحات زیر عرض میشود .

برای احداث فرودگاه در رامسر اراضی بعضی از ساکنین جز فرودگاه شده منظور رسیدگی و رفع شکایت صاحبان اراضی مأمورین بعمل اعزام و بطوریکه با جلب نظر مطلعین و خود آنها باتذوین صورت مجلس گزارشی داده اند .

میزان خسارت وارده بهر يك دقیقاً تعیین و اندازه کل هواییمائی کشور دستور داده شد که ترتیب پرداخت بهای اعیانی آنها را باخذند ترک دعوی بدهند با سازمان برنامه نیز موافقت حاصل شد که از مجرای اعتباراتی که جهت ساختمان و تکمیل فرودگاه هاتبعین گردیده معادل ۱۰٪ اعتبارات برای خرید اراضی تخصیص

دهند بجزرد تصویب لایحه قانون سازمان برنامه ۷ ساله ترتیب پرداخت بهای اراضی که بمنظور احداث فرودگاه رامسر تصرف گردیده داده خواهد شد .

نایب رئیس - آقای خلعت بری - منظور بنده از این سؤال تعیین تکلیف يك موضوعی بود و آن مواردی است که دولت املاک اشخاص و متصرفات مردم را میگیرد در صورتیکه مطابق قانون مکلف است که عوض آنرا بدهد همه املاک بالاتر هم نظر داده اند در این موارد البته هر وزیر نظر ندارد که کشاورز قیمت زمین داده نشود دستوره میدهد که داده شود منتهی آقای وزیر راه از وقتی که بنده بیاد دارم همیشه هر بد حسابی و هر بد رفتاری و هر دستور را به اجرا کردن از طرف مأمورین محل است (صحیح است) اگر این دستور را خوب اجرا بکنند مخصوصاً در مورد يك مشت کشاورز این سؤال و این اشکال پیش نمی آید که وزارت راه همه زندگیشان را بگیرد بعد از دوسال میخواهد بهشان عوض بدهد این را میخواستم عرض کنم که ضررهای عمده‌ای روی بد حسابی مأمورین دولت دولت و مردم ورزده است این اراضی قلعه مرغی و راه آهن را آن موقع مردم حاضر بودند متری یکشاهی بفرودند حالا متری دو بیست تومان نمیدهند در وزارت راه همان مقاضاه کاری که چهل هزار تومان مطالبه میکرد اینقدر معطل گردند تا چهار صد هزار تومان رسیده و در نتیجه مراجعه بدواری (حشمتی - این معطلی برای همین بود که اینقدر بشود) حالا بنده از جنابعالی يك خواهش میکنم بکنند حساب باز بکنند برای مأمورین که اگر برای مردم مأمورین شما اشکال تراشیدند دستور را صحیح اجرا نکردند و بعد معلوم شد که موجب خسارت و زیان شده اند بجای تشویق برای منفی بانی و مزاحمت مردم آنها را مجازات بکنند اگر دولت بگیرد من اشخاصیکه مردم را از بیت میکنند دستور را صحیح اجرا نمیکنند و بعنوان خدمت بدولت این دستورات را رعایت نمیکنند برای اینها بجای خوش خدمتی و خوش حسابی يك پرونده مجازات باز میکنم اگر اینکار را کردید نه مالیات اضافی لازم است و نه زیان دولت فراهم می شود و هفتاد درصد مراجعات کم میشود یکمشت کشاورز در مدت ۳ سال بحق خودشان میروند و قیمت محصول و در خشان را میگیرند من این عرض را خواستم بکنم برای اخذ این نتیجه (شوشتری - این پرونده منافع را هم باید بهمزد آقا)

۴- سؤال آقای صدرزاده راجع به پول فهایان و جواب آقای وزیر راه

نایب رئیس - آقای صدرزاده - آقایان محترم بخوبی سابقه دارند یکی از بنادر مهم و معروف

ایران بندر بوشهر است بود (صحیح است) بعد از اینکه راه آهن ایجاد شد مسیر تجارتنی از آنجا تغییر پیدا کرد این بندر هم دچار انحطاط شد در موقعی که این بندر معمور و آباد بود جمعیت اینجا در حدود پنجاه هزار نفر بود و بعد از آنکه مسیر مال التجاره از آنجا تغییر کرد جمعیت آنجا بنده هزار نفر تقلیل پیدا کرد و مردم از آنجا آواره شدند و اگر مردم اینکار یک کارخانه‌ای در آنجا تاسیس نکرده بود شاید جمعیت هم از این عدد بیشتر تقلیل پیدا میکرد خلاصه اینکه يك بندر مهمی از بین میرفت از سال ۱۳۱۷ که بنده بخاطر دارم مردم شیراز بوسیله تذکرات فهایان که بدولت کردند و اقداماتی که بوسیله نمایندگان کاشان در دوره یازدهم و شانزدهم کردند بالاخره دولت تصمیم گرفت که راه از فهایان عبور بکند و فارس و خوزستان را بهم متصل کند که لاف اول موافقتی که برای سوخت لازم دارند از این طریق بشیراز و نقاط فارس برسد بالاخره بعد از مدتی دولت تصمیم گرفت بیست میلیون ریال برای ساختن یل فهایان اختصاص داد و این عمل در سال ۱۳۳۰ و ۳۱ شروع شد و خانه پیدا کرد ولی بلافاصله سال بعد با اولین بارانی که آمد یل خراب شد و از بین رفت (شوشتری - علتش مناقصه بود) بعد از آنکه اطلاع پیدا کردند در حدود يك میلیون تومان دیگر دولت مجبور شد که خرج کند تا این یل بصورت اولیه بر گردد و این راه درست شود میخواستم این نکته را عرض بکنم و مقصود از سؤال این بود الان مملکت ما در نظر دارد هفتاد هزار میلیون ریال صرف امور عمرانی از طریق برنامه بکند اگر بنا بشود اشخاصی که مسئولیت انجام امور عمرانی را بهمه دارند وظایف خودشان را انجام ندهند مورد بازخواست واقع نشوند باید فاتحه این ۷۰ هزار میلیون را هم خوانند این سؤالی که بنده کردم در آن نظر و غرض شخصی نیست فقط میخواهم تمام کسانی که با دستگاههای عمومی و کارهای عمرانی سرو کار دارند بدانند که اگر قصور و اهمالی در کارهای عمرانی کردند جداً مورد بازخواست و تعقیب واقع خواهند شد (صحیح است) و این منظور اساسی بنده است از این سؤال و نکته دومی را که از موقع استفاده میکنم و بدولت یادآوری میکنم این است که این راه فارس بخوزستان از طریق فهایان یکی از راههای مهم و اساسی است و لازم است که باید هر چه زودتر این راه ساخته بشود (صحیح است) و مخصوصاً يك جهت خاصی پیدا کرده است که لزوم این اتصال را بیشتر ایجاب میکند آقایان بخوبی مستحضر هستند که فارس یکی از مناطق تریاک خیز است و بعد از اینکه تصمیم گرفته شد بمساح مملکت که این اعتیاد تریاک موقوف بشود و کشت تریاک هم ممنوع بشود مردم

فارس هم از این حسن نیت دولت و مجلس تبعیت کردند بایستی يك وسائلی برای جبران در اختیار آن ها گذاشت و آن این است که راهی داشته باشند که بتوانند لاقط محصولات کشاورزی خودشان را از این راه بخورستان برسانند که هم بمواد غذائی آن استان بزرگ کمک کرده باشند و هم خودشان از دسترنج خودشان استفاده بکنند و جبران آن زبانی را که از عدم کشت تریاک متوجه میشود باین وسیله بکنند (غضغری - لرستان را هم بفرمائید) همچنین در لرستان و هر نقطه دیگری که خسارت متوجه شده دولت در نظر دارد و بیش بینی های لازم را در این باب کرده اند ولی فقط تقاضا میکنم اقداماتی که در این باب کرده اند، چه زودتر بفرمائید که نمایندگان مستعضر باشند.

نایب رئیس - آقای وزیر راه

وزیر راه (سر لشکر انصاری) - در پاسخ جناب آقای صدرزاده نماینده محترم راجع به یل فلبان توضیحات زیر عرض میشود .

- ۱- برای ساختمان یل فلبان بصل (۲۷۹) متر در تاریخ ۱۷/۶/۲۸ قرارداد یی با شرکت کاو ۳۰ ت بسته شده .
- ۲- در تاریخ ۱۰/۱۲/۳۲ ساختمان یل به اتمام رسید و موقتاً تعویل گرفته شد .
- ۳- در اثر جریان سیل کم نظیر در آذرماه ۱۳۳۳ یی دویا به طرف کازرون را آب شست و در نتیجه سه طاق یل فرو ریخت .
- ۴- به علت خرابی یل رسیدگی دقیق بعمل آمد و چند هیئت از مهندسين بعمل اعزام شدند طبق گزارش که داده اند علت اصلی خراب شدن سه طاق یل متوجه گردیدن تمام جریان سیل بطرف دو دهانه سمت کازرون بوده است .

جدیدی با وجوع نگردیده است .
۵- برای تکمیل ساختمان یل قرارداد جدیدی با شرکت اورانیوم بسته شد که از تاریخ ۲۳/۶/۳۴ مشغول کار گردیده که تاکنون بیش از ۵۰ کار های مورد مقاطعه را انجام داده است طبق برنامه در اوایل تابستان سال ۱۳۳۵ تکمیل ساختمان یل به اتمام خواهد رسید و آماده بهره برداری خواهد شد .

۶- ساختمان راه اهواز - شیراز از طریق فلبان بشرکت جاب مولم و افکار گردیده است .
نایب رئیس - آقای صدرزاده

صدرزاده - از اقداماتی که وزارت راه در مدت این ایام کرده اند البته بنده تشکر دارم ولی همانطور که عرض کردم بایستی وقت بیشتری بشود که اگر مسئولین

ساختمان این یل تصور با مسامحه ای در انجام وظیفه کرده اند جداً مورد تعقیب و مجازات واقع شوند و جبران خساراتی که بمملکت وارد شده است بشود اما در خصوص راه بنده میخواهم این نکته را عرض کنم که این مملکت خیلی احتیاج زیاد براه دارد (صحیح است) باید راه سازی در این مملکت بیش از کار های دیگر بشود هیچ شکی نیست ولی بحکم الاقدم فالاقدم بایستی مناطقی که اصلاً راه ندارند و استانها را بهم متصل میکنند آنها را مقدم بدار بدانان نقاطی هست در کشور که وسیله راه آهن یا راه اسفالت اتصال بهم دارند ولی آن نقاطی که باینکدیگر هیچگونه اتصال ندارند حتی يك راه شوسه ای ندارند که بتوانند از آن عبور و مرور کنند بنده تصور میکنم که لازم باشد آنها را در درجه اول بسازند امیدوارم توجهی که جناب آقای وزیر راه نسبت باین موضوع دارند هر چه زودتر این راه ساخته شود و مرکز این دو استان را بیکدیگر مربوط کنند که برای کشور و برای مردم هر دو استان نتایج بسیار زیادی دارد .

۵- طرح گزارش کمیسیون دارائی و نظام راجع به شوردوم بیمه کادری ثابت ارتش و ژاندارمری
نایب رئیس - وارد دستور مشوریم گزارشی از کمیسیون دارائی رسیده راجع به بیمه کادری ثابت ارتش که قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)
گزارش از کمیسیون دارائی

به مجلس شورای ملی
کمیسیون دارائی لایحه مربوط به حوادث ناشیه که بمناسبت انجام وظیفه برای کلیه افراد کادری ثابت ارتش و ژاندارمری رخ میدهد در جلسه سیام مهرماه ۳۴ با حضور نماینده دولت مورد رسیدگی و شور قرارداد و خبرشور اول را تأیید و اینک گزارش آنرا تقدیم میدارد .
مخبر کمیسیون دارائی - مشایخی
نایب رئیس - گزارش کمیسیون نظام هم قرائت میشود
(اینطور خوانده شد)
گزارش از کمیسیون نظام
به مجلس شورای ملی
کمیسیون نظام در جلسه دوم مرداد ۳۴ لایحه مربوط به بیمه افراد کادری ثابت ارتش و ژاندارمری را نسبت بعبودت ناشیه که بمناسبت انجام وظیفه رخ میدهد با حضور آقای معاون وزارت جنگ برای شور دوم مورد رسیدگی و بحث قرارداد و خبرشور اول را تأیید و اینک گزارش آن را تقدیم میدارد .
مخبر کمیسیون نظام نادعلی کریمی
نایب رئیس - آقای خلعتبری مخالفند بفرمائید .

و رفت سوار اتومبیل جناب آقای حمیدیه جلوی منزل جناب آقای امامی نایب رئیس مجلس شد (شوشتری - آمارش در شهر بانی هست) این راه می خواهم عرض کنم این وارد می باید لایحه ای تهیه شده و به مجلس تقدیم شده است بنده خواستم از این فرصت استفاده کنم و به آقای وزیر جنگ تذکر بدهم که همانطور که متوجه هستم برای افراد ارتش در مقابل حوادث خوبست که لایحه ای تقدیم مجلس شود شمام متوجه باشید به امنیت مردم برای اینکه امروز آنچه که بنده در شهر تهران می بینم مردم شهر از حوادثی که اتفاق می افتد بوسیله رانندگان که در ارتش هستند امنیت ندارند (صحیح است) و این بلاسر خود من بریر روز خودشان در دستگاه ارتش شلاق بزنند و تنبیه کنند دفعه دیگر این کار را نمیکند و بعلاوه اینها هم باید مثل رانندگان تمام وزارتخانه ها و ادارات و اشخاص تابعین رانندگی باشند بنده يك وائی میکنم ، راننده اعلیحضرت هم ایونی گواهینامه رانندگی ندارد ه وقتی که شاه مملکت برای راننده اش گواهینامه میگردد آخرش چرا نمیدانید از طریق مقررات تابع شهر بانی باشید بنابراین بنده این را برای حفظ امنیت عمومی تذکر دادم و باید بد شد مراقبت کنید چون خانواده های متعددی صدمه دیده اند و بنده برای اینکه این تذکر را بدهم و دیدم جایش اینجا است استفاده کردم و این را هم برای اینکه خود صدمه دیده ام مخالفت نکردم چون در يك هفته قبل ثبت نام کردم جناب آقای وزیر شا اگر نمیتوانید يك شوفر را در تهران اداره کنید شما نمیتوانید دیسیپلین را اجرا کنید شما اگر نمیتوانید دیسیپلین را در مورد و مرور اتومبیل ها در جاده ها آن دستورات عبور و مرور اتومبیل در جاده ها آن دستورات را اجرا نمی کنید آقای وزیر جنگ بشما صریح میگویم این عمل در مردم ایجاد یک کدورت هائی کرده است که چرا نباید دستگاههای مسئول مراقبت کنند و این حوادث در تهران بیش نباید که مردم تصور کنند که این در نتیجه عدم توجه مقامات بالاتر ارتش است بحق مردم ، یا اینکه نظامها مردم را داخل حساب نمی کنند در دستگاه ارتش نیست اما اگر ارتش دقت نکرد و این حوادث روز بروز زیاد تر شد بالاخره احساسات مردم مکرر می شود ، بریر روز جلوی در مجلس يك کمیون ارتش سرعت می آمد و در چند متری ما که ترمز کرد نزدیک بود باینده تصادف کند و خواست خدا نبود آقای بهادری میگفتند که در چند روز پیش با جیب ارتش تصادف کردند راننده جیب که يك سر رهنک ارتش بود آمد پیش هم داد به راننده آقای بهادری و ایشان هم اصلاً نگفتند که وکیل مجلس هستند و چند روز پیش يك جیب از سر خیابان راه افتاد و چندین نفر را مجروح و مصدم کرده

تصادفاتی پیش آمد در نتیجه این تصادفات با خدای نکرده تصادفات عائله آنها از جهت گرفتن حق بیمه تأمین باشند بنده میخواستم توجه آقایان را باین نکته جلب کنم که از سالها پیش با بنظر از موقعی که مجلی درست شده برای کارگر های کارخانجات صنعتی که بیمه ای تنظیم کرده اند آیا سزوار نیست بصرای افسران ارتش و اشخاصی که در کادر ارتش هستند برای آنها هم بیمه ای تهیه بشود و اینها با کمال اطمینان مشغول انجام وظیفه باشند و اگر پیش آمدی شدن حق بیمه شان بخانواده های آنها داده شود ولی نکته ای را که که میخواستم تذکر بدهم اینست ما اگر اینجا عیوب را بگوریم و تنقید بکنیم معاشن باشید دستگاه توجه پیدا میکند باید يك آمار صحیحی باشد اگر بخواهند رانندگان متخلف را صورت بردارند اول رانندگان ارتش هستند برای اینکه از همه متخلف ترند برای اینکه از قوه و نفوذ خودشان می خواهند سوء استفاده کنند از این جهت تذکر می کنم که جناب آقای خلعتبری دادند من باب کمال دولت خواهی بود و منظورشان این بود که آنها را بوظایف خودشان آشنا بکنند اینست که بنده عقیده دارم آقایان توجه بکنند همانطور که کارگرها در سالهای پیش بیمه شده اند نسبت بکادر ارتش هم رای بدهید که آنها با اطمینان خاطر مشغول انجام وظیفه باشند

نایب رئیس - آقای کریمی مخبر کمیسیون

کریمی (مخبر کمیسیون نظام) - گزارشی که مطرح است آقایان توجه فرموده اند راجع بیمه افسران و کارمندان ثابت ارتش و ژاندارمری است بطوری که جناب آقای خلعتبری اینجاست کرده فرمودند با اصل لایحه ایشان موافقت و بنده دفاعی از لایحه احتیاج نمی بینم بعرض آقایان برسانم فقط راجع بتذکراتی که جناب آقای خلعتبری فرمودند بنده ناچارم که عرض کنم که تذکرات از طرف آقایان نمایندگان البته مفید و بجاست و شأن آقایان امورات جاری کشور متذکر کنند و اگر معایبی هست تذکر بدهند ولی ضمناً بنده خواستم چند نکته کوچک را که در فرمایشات ایشان گوش کردم جواب عرض کرده باشم اولاً بیک قدری عصبانی بودند و گفتند نظامی ها مردم را جزو آدم حساب نمیکند (خلعت بری - مردم خیال میکنند) خواستم عرض کنم که ارتش از دو قسمت تشکیل میشود در سابق که يك اشخاصی جزء کادر ثابت می رفتند و داوطلب بودند اینها خودشان را نظامی دائمی میدانستند و ممکن بود خود را از مردم جدا بدانند ولی ارتش فعلی که بنیان گذار آن اعلیحضرت

تقدیم بوده اند از مردم است ، خانواده خود ما است فرزندان همین خانواده ها هستند آقا زاده شما هست ، برادر بنده است آقا زاده آند دیگری است ارتش بچوچه از مردم منتك نیست ارتش جزء ملت ایران است ، مطلب دیگر اینکه همانطوریکه فرمودید در گذشته يك مقداری از طرف رانندگان ارتش در امور رانندگی به ترتیبی مشاهده میشد (یکی از نمایندگان - حالاهم است) اخیراً دستگاهی ترتیب داده اند در سر چهارراهها مخصوصاً توجه بفرمائید از امروز دقت بفرمائید سر چهارراهها از طرف وزارت جنگ يك مأمور نظامی گمارده شده است که مراقب عبور و مرور کامیونها و اتومبیلهای ارتش باشند و کاملاً در این مورد مراقبت میکنند با اتومبیل جناب آقای حمیدیه که تذکر میفرمودید بنده خواستم آقایان عرض کنم ارتش از این پیش آمدی که بر حسب تصادف اتفاق افتاده بود متأسف بود و حتی جبران کرد و بایشان اتومبیل داده شد که ضرری بکسی زده نشود مخصوصاً اولیای امور وزارت جنگ همشان اینست که روح انضباط در کادر ارتش تقویت یابد و حسب الامر اعلیحضرت هم ایونی مراقبت بیشتر هست و همیشه بعمل می آید و بعمل آمده است بنا بر این از آقایان استدعا میکنم نسبت باصل لایحه که همه موافق هستند رای موافق بدهند

نایب رئیس - کسی اجازه مخالف

و موافق نخواسته است پیشنهادات قرائت میشود .
(شرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی - تبصره زیر را بمنع از تبصره ۱ پیشنهاد میکنم؛ ارتش فقط میتواند بسر بازانی اجازه رانندگی دهد که لاقط پروانه درجه ۲ رانندگی از شهر بانی طبق مقررات عمومی داشته باشند .

عبدالصاحب صفائی
نایب رئیس - آقای عبدالصاحب صفائی .
عبدالصاحب صفائی - تصوم میکنم که همه آقایان نمایندگان با همیت ارتش و سربازان و علاقه مفرط بحفظ جان آنان دارند و از هر گونه تقویتی دریغ نخواهید داشت این قانون صد درصد صحیح است و تصویب هم خواهد شد ولی من نکته ای را که اینجا لازم بود عرض کنم اطلاعاتی است که بنده دارم اغلب بعلم مختلف بسربازان بدون اینکه تخصص رانندگی داشته باشند اجازه رانندگی میدهند و همچنین بعضی از افسران بدون داشتن پروانه رانندگی اتومبیل رانی میکنند و در نتیجه این تصادفات پیدا شده که قطعاً خود تیمسار وزیر جنگ ایداً راضی نیست که چنین تصادفاتی اتفاق بیفتد و بنده این قبیل تصادفات را معطلول تسامح نمیدانم و بیقین دارم افسران ما که

برای حفظ جان ما و حفظ مملکت فداکاری میکنند ما بل نیستند چنین تصادفاتی روی میدهد شاید تسامح در دادن پروانه رانندگی موجب این تصادفات شده است بنابراین بنده پیشنهاد کردم که ارتش فقط میتواند بسر بازانی اجازه رانندگی بدهد که لاقط پروانه درجه ۲ رانندگی از شهر بانی طبق مقررات عمومی داشته باشند (چند نفر از نمایندگان - و افسران اضافه بفرمائید) و اگر فرضاً موضوع مراجعه شهر بانی ایرادی داشته باشد بنده اصراری ندارم بنده اصرارم در اینست که آن سربازی که پشت درل میشیند طبق مقررات پروانه رانندگی دستش باشد ممکن است بفرمائید رفتن شهر بانی کار را مشکل میکند يك اداره رانندگی و جواز پروانه در خود ارتش تشکیل شود که با آنها پروانه بدهد و اگر يك افسر با يك سرباز دارای پروانه رانندگی نبود اجازه ندهد که پشت درل بشیند ولی من شخصاً از تیمسار استدعا میکنم که موافقت بفرمائید که پروانه رانندگی را شهر بانی بدهند بنده ممکنست اینجا اضافه کنم در شهر که در بیابان هر کاری میخواهند بکنند ولی شهر بانی ممکن است يك خورد زحمت داشته باشد اما موافقت بفرمائید که شهر بانی باشد و مردم يك مقداری از این نکاتی خارج شوند و گفته نشود که رانندگان ارتش بی میلانند و آقا هم كك بفرمائید که این معنی از ذهنها بیرون و واقعاً خود رانندگان هم مسئولیت داشته باشند حالانده پیشنهاد اینست هر اصلاحی برای تأمین این منظور آقایان بفرمائید بنده ایرادی ندارم .

نایب رئیس - مطابق ماده ای که قرائت میشود در شور دوم پیشنهاد تازه ای نمیشود داد و اگر پیشنهاداتی داده شده بود در شور اول و کمیسیون توجه نکرده باشد میشود قرائت کرد .

عبدالصاحب صفائی - بعنوان ماده العاقبه میدهم
نایب رئیس - آقایان میتوانند طرح بدهند برای ابتکار حالاً نمیشود باید آئین نامه را رعایت کرد .
عبدالصاحب صفائی - استدعا میکنم آقای وزیر جنگ خودشان قبول بفرمایند .
نایب رئیس - ماده آئین نامه که مربوط باین موضوع است قرائت میشود .
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده ۱۲ - در شور ثانی گزارش اوابیح و طرحهای قانونی در مجلس قرائت و نسبت بهر يك از مواد آن جدا گانه مذاکره خواهد رای خواهد شد .
در شور ثانی پیشنهاد تازه ای نمیشود داد ولی پیشنهادهایی که در شور اول باین در شور بعمل آمده و مورد توجه و تصویب کمیسیون

واقع نشده ممکن است از طرف پیشنهاد دهنده تجدید شود (جز در مواردی که پیشنهاد دهنده دعوت کمیسیون را برای حضور در آنجا اجابت ننموده و حضور هم نرسانیده باشد در این صورت پیشنهاد دهندگان (در مورد پیشنهاد جمعی) بطور اختصار یعنی منتها پنج دقیقه توضیح داده

نایب رئیس - مطابق آئین نامه در شور دوم پیشنهاد نمیتوان داد و راه حلش اینست که يك املاهی آقای مخبر بکنند و آقای وزیر هم قبول کنند .

کریمی - اجازه بدهید توضیح عرض کنم .

نایب رئیس - خود آقای وزیر جنگ اجازه خواسته اند بفرمائید .

وزیر جنگ (سر لشکر وثوق) - این عمل تحصیل حاصل است و انجام شده (عبدالصاحب صفائی - ما که حرفی نداریم پیشنهاد برای حفظ اصول است) بنده از جناب آقای ارسلان خلعت بری و سایر آقایان تشکر میکنم که يك تذکرات مفیدی دادند در این قسمت هر چه تکرار بکنیم زیاد نیست ، خود بنده باینکه میدانم دستگاههای مسئول همیشه مراقب هستند تنبیهات خیلی شدیدی در مورد رانندگان بی میلان شده مجدداً لازم دست و گفتم که اینطور چیزها کافی نیست ، هر دو هفته یکبار يك تذکر و يك بخشنامه صادر کردیم و باوریکه ملاحظه فرموده اید نه فقط در سر چهار راهها ، امور هست بعضی از مأمورین با جیب در خیابانها در حرکت هستند و مراقب هستند که اگر خلاف رویه ای به بینند جلب کنند ولی نکته ای را که باید آقایان توجه داشته باشند این است که اگر سوانح زیاد میشود دلیل عدم توجه مقامات مسئول نیست دلیل از زیاد وسائیل رانندگی است در روزنامه ها ملاحظه فرموده اید که در شب نوازل در واشنگتن ۸۰۰ نفر بانهصد نفر تلفات داده اند و از بین رفته اند بی احتیاطی نشده عده زیاد است ، راننده زیاد است ، اتومبیل زیاد است و به همین نسبت تصادف بیشتر میشود و ما سعی میکنیم دقت میکنیم که به نسبتی که وسایل زیاد میشود قطعاً مراقبت هم بیشتر باشد ، راجع بجواز رانندگی خود بنده جواز رانندگی شهر بانی را دارم ولی آن موقعی که بنده گرفتم دستگاههای ما مجهز نبود و تمام افسران موظف بودند که جواز رانندگی شهر بانی داشته باشند ولی امروز دستگاه ارتش دستگاهی نیست که بتواند شهر بانی مراجعه بکند ، دستگاه عظیمی است که شهر بانی مجهز نیست این کار را بکنند حتی رئیس اداره راهنمایی شهر بانی را از ارتش بردند (میراشرفی - خود رئیس شهر بانی راهم از ارتش بردند) در ارتش ما

آموزشگاه فنی مجهز و کاملی داریم و اخیراً هم یک لایحه تقدیم شده که این آموزشگاه های رانندگی ما طبق قانون جواز می تواند میده مورد تصویب مجلس شورای ملی هم باشد و از این دستگاهها ما مطمئن کامل داریم و مطمئن هستیم که بهیچوجه قابل مقایسه با هیچ دستگاهی نیست و شهر باقی مجهز نیست که بتواند این همه راننده ما را آزمایش کند در هر صورت من با آقایان قول میدهم که در این قسمت توجهات مخصوص هست و نه فقط از لحاظ رانندگی دستور اکید بعموم افسران و نظامیان هست که طوری اعمال و رفتار و کردارشان نامرود باشد که جلب محبت آنها را بیش از پیش نکنند و بهیچوجه از هیچگونه تجاویز که از ناحیه افسران ارتش بشود چشم پوشی نشده و نخواهد شد، یک نکته دیگر را باید آقایان توجه داشته باشند ممکن است روزی صد تا اتفاق بیفتد که چون بوسیله افراد نظامی نیست آقایان توجه ندارند ولی ما چون نشان داریم دو تا اتفاق که بیفتد میگویند ارتش و مگر بدجنس و حس و نشان داده میشود و همین دلیل است که در تمام تهران توجه هست که بهیچوجه عمل خلاف رویه ای از نظامها سر نزند.

۶. اعلام تصویب صورت مجلس جلسات پنجم و هفتم دی ماه

نایب رئیس - چون عده کافی است بنده تصویب صورت جلسات پنجم و هفتم دی ماه اعلام میکنم.

۷. بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون دارائی و نظام راجع به بیمه کادر ثابت ارتش و ژاندارمری

نایب رئیس - آقای خلعت بری بر طبق ماده ۸۷ اختصار نظامنامه ای کرده اند بفرمائید.

خلعت بری - بنده بیانات همکار محترم را که فرمودند فلانی اظهار کرده نظامی ها مردم را آدم حساب نمیکند اگر یک موردی بود که نظامیها مردم را آدم حساب نمیکردند بنده نهایت صراحت آن مورد را میگفتم ولی این جا گفتم که مردم خیال میکنند که نظامیها اینها را آدم حساب نمیکند و این را برای این گفتم که خود از آن اشخاصی هستم که اصلاً معتقد بتبلیغات بر علیه مملکت در ادارات دولتی نیستم چه رسد به ارتش یعنی انتقاد معتقدم آید کرد ، تذکر را باید داد ولی مخالف تبلیغ شدید هستم برای این که مبادا سوءاستفاده بکنند دیگران و اشخاص مختلف ، مخصوصاً در دستگاه ارتش چند نفری هستند که معتقدند باید آنجا باشند و بنده هر وقت تذکراتی داشتم که ... دیات وزیر جنگ بود

برایشان مینوشتم بجای این که در مجلس تذکر بدهم برایشان مینوشتم بنا بر این خواهش میکنم که این عبارت را فرمائید و آن بیانی کتبی را فرمودند که آن قسمت رئیس راهنما را از ارتش خواسته اند این رئیس راهنما فقط در صحنه عملی بود و برای صحت عملش خواسته اند و الا هیچ گونه تخصصی در امر اداره راهنما و رانندگی ندارد.

نایب رئیس - پیشنهاد سکوت رسیده قرائت میشود.

(شرح جزیر قرائت شد)

پیشنهاد سکوت لایحه رامینامیم دکتر جزایری

نایب رئیس - آقای دکتر جزایری

دکتر جزایری - بنده پیشنهاد سکوت کردم برای اینکه بتوانم یک تذکره ای را خدمت جناب آقای وزیر جنگ عرض کنم اولاً در این مطالب بنظر من تعارف معنی ندارد اصلاً موضوع احترام مجلس و مردم بارتش یک پرونده خاصی دارد و در این که یک دسته از افسران شریف در رأس ارتش هستند تیمسار سید هدایت رئیس ستاد مشترک ، تیمسار وزیر جنگ اصلاً یک پرونده علنی ندارد (تفصیلی - رئیس ستاد را هم بفرمائید) رئیس ستاد و همه و همه اما این پرونده ای که مربوط به ارتش است در این دین ما شایسته نیستند و کامیون ها و ماشینها را میروند وقت نمیکند و مراقبت نمیکند اینهم یک پرونده علنی است دارد اگر ما پرونده اول مؤمن و معتقد هستیم که آدمهای شریفی هستند باید بدون رودربایستی این تذکرات را بدهیم بنا بر این تیمسار عزیز بدانید مردم این مملکت و ما که در شهر تهران هستیم هم و در همه جا منعکس است که رانندگان ارتش مراقبت نمیکند تصادف زیاد میشود این حرف رودربایستی ندارد اگر من بخوام با تعارف این حرف را بزنم بشما خیانت کرده ام بمملکت خیانت کرده ام بنا بر این آقا این تذکر را بپذیرید همه مردم این فکر را می کنند و استدعا میکنم خودتان البته یک فکری برای اینکار بکنید برای اینکه حیف است که یک دستگاهی که مسرود احترام همه است و خدمت بمملکت میکند فدکاری می کند و سرحدات را شب و روز حراست میکند چهار تا سرباز بی اطلاع یا چهار نفر بی اطلاع اعمالی بکنند که نتیجه زحمات شما را بر باد بدهند بنا بر این تعارف را کنار بگذاریم این پرونده اش علنی است و باید توجه کرد و پیشنهاد مرا هم پس میگیرم.

نایب رئیس - پس رای میگیریم بماده واحده و تصویب گزارش کمیسیون آقایان که موافق هستند قیام بفرمائید خواهش میکنم بایستید مطابق آیین نامه آقایان منشی ها باید بفرمائید هر کاری ترتیبی دارد اگر همه آقایان هم بایستید باید منشی ها

بمن بگویند نام اعلام بکنم (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۸. تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای پورسر قیپ

پورسر قیپ - یک سؤال است از آقای وزیر کار کرده ام راجع بحیف و میل هائی که در بیمه های اجتماعی میشود هم مال کارگر را از بین میبرند هم مال کارخانه های مملکت را (میراشرافی - دکتر کیان فاسد ، دکتر کیان حیف و میل میکنند ، با آن استعفائی که در زمان مصدق داد)

۹. طرح گزارش کمیسیون دارائی راجع به میزان حق الحفاظه بانك کارگشائي

نایب رئیس - گزارش کمیسیون دارائی قرائت میشود.

(شرح جزیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون دارائی

کمیسیون دارائی بلايه شماره ۶۰۸۳۲ دولت در مورد تغییر نرخ حق الحفاظه برداشتی بانك کارگشائي با حضور آقای فروزان کفیل وزارت دارائی رسیدگی و با توجه بمقدمه لایحه و توضیحاتی که از طرف آقای فروزان دائر به زبان وارده بر بانك کارگشائي و متوقف ماندن کار های بانك داده شد کمیسیون لایحه مزبور را بشرح زیر اصلاح و بانك گزارش آنرا جهت تصویب تقدیم میدارد.

ماده واحده - جمع حق الحفاظه و کار مزد برداشتی بانك کارگشائي موضوع بصره ماده ۷ قانون تثبیت پشتوانه اسکناس مصوب تیرماه ۱۳۳۳ از تاریخ تصویب این قانون تا دو هزار و پانصد ریال یک درصد و مازاد بر آن شش درصد خواهد بود.

نایب رئیس - آقای صفائی

عبدالصاحب صفائی - علت مغالط بنده با ماده واحده از این لحاظ نیست که بایستی بقرا و افراد نیازمند کمک شود و این کمک هم باید با سود خیلی کمی باشد (یک نفر از نمایندگان - کار مزد) اسمش را بگذارید کار مزد (یک نفر از نمایندگان - حق الحفاظه) حق الحفاظه اسمش را میگذارید از لحاظ اینکه جنبه شریعت حفظ شده باشد بنده موافق بنده اصلاً معتقدم که با حرام است و اصلاً سود نباید گرفته شود این عقیده بنده است چنانچه بعنوان کار مزد یا حق الحفاظه بگیرد البته این مطلب صورت قضیه را تصحیح کرده و هیچ هم هست بنا بر این بنده جداً موافقم

باینکه اصلاً گرفته نشود و بعنوان ربا ما چیزی نگوییم و مخصوصاً بقرا هم کمک بشود این مطلبی است بجای خود معذور ولی بنده باین لایحه از این جهت مخالفم که این لایحه نتیجه اش این میشود که بانك کارگشائي در دست بسته شود اگر مقصود اینست که در

بانك کارگشائي را ببندند این ماده واحده خیلی صحیح است و اگر مقصود این نیست این ماده واحده درست نیست (یک نفر از نمایندگان - چرا) توضیح میدهم . در این جا نوشته اند که از این تاریخ بجهت بیمه ماده واحده آقایان توجه داشته باشید اینست (ناطق ماده واحده را بشرح سابق قرائت کرد) آقایان اطلاع دارند که بانك کارگشائي سرمایه اش معدود و مشخص است در حدود شش میلیون تومان است و این بانك کارگشائي يك هر بهای دارد که از محل درآمدش باید تأمین بشود که اگر هزینه اش از محل درآمدش تأمین نشد از اصل سرمایه اش باید برداشت بشود و مستهلک بشود سرمایه افرادی هم که با بانك کارگشائي کار دارند (میراشرافی - اینطور نیست خلاف برضتان رسانده اند) یعنی میفرمائید سرمایه او رت (Ouvert) دارد (میراشرافی - آن جزء بانك ملی است) تغییر قربان يك سرمایه معینی دارد آیین - نامه معینی دارد که باید در حدود آن سرمایه کار بکنند وقتی که شما کار مزد را يك در صد پائین آورده هیچکس يك جا به بانك کارگشائي سفته نمیدهد ۶ هزار و ۵۰۰ هزار بودید اگر از جبات دیگر دلتنگ نیستید چرا برادر دمتدندان اینطور حمله عموماً مبلغش پائین است و علاوه وقتی که معلوم شد که تا هزار ریال یا دوهزار و پانصد ریال صدی يك بدهد آن یکی که دوهزار تومان می خواهد چهار مرتبه می آید معامله می کنند در بانك کارگشائي اسم مدخلیت ندارد بدکار کارگشائي مدخلیت ندارد بدکار اموالی است که آنجا میگذارند وقتی که قالیچه اش را برود کرد گذاشت پول می گیرد بنا بر این يك کسی که هزار تومان میخواهد بجای اینکه اینتر بانك مرتبه برود بگیرد مبلغ بیشتری کار مزد بدهد اینتر چهار مرتبه می رود و میگیرد و نتیجه اش اینست که هزار تومان را یک درصد بگیرد عرض کنم که این صدی يك ببرد فقر اینخورد (بناهی - کاملاً صحیح است) و برای فقر نیست اشتباه است من نمیگویم آقا حسن نیت ندارم ممکن است حسن نیت داشته باشند ولی این حرارت و انرژی را در مسائل بالاتر بکار ببرند صد تومان پول قرض دادن جناب آقای نقابت صد تومان قرض دادن یا ندادن به مردم که عصبانیت ندارد (نقابت - آقای ناصر پنج میلیون اعتبار ندهد ب مردم که اسکولاسیون بکنند) تأیید عرض بنده است این قرض ها باین ربح های پائین معنایش و لازمه اش هست اینست که بدانید که این حکم به همین ورشکستگی ها است همین اختلال امور بازار گانی است که آقایان الان دارند ناله اش را میفرمائید بهر تقدیر الان آقای وزیر دارائی اینجا تشریف خواهند داشت و البته اگر اشکال برای این لایحه میدیدند شدنه اهل قرضه سفته دارم و نه سوار دارم عین سرمایشان از بین میروند چهار پنج میلیون

تومان ورشکست میشوند اگر آقایان میخواهند که ورشکستگی در این مملکت يك قاعده ای پیدا کند بازار گانی بشکستند اینست که این سفته بازی غیرالیهیه در دست بسته شود باید بازار گانی در حدود ثروت یادوبرابر شود افرادی که صد هزار تومان سرمایه دارند وقتی پنج میلیون تومان معامله می کنند و پنج میلیون تومان سفته می دهند سرمایشان بقدر سود سالانه اموالی که قرض کرده اند نیست اینطور سفته بازی نتیجه اش همین ورشکستگیهای متوالی است (صحیح است) که می شود بنا بر این بنده معتقدم که اگر آقای رئیس بانك فرموده باشند که بانك کارگشائي می تواند با صدی يك کار مزد ادامه بدهد بمعاملاتش بنده عرض می کنم (شادمان - رئیس بانك ملی در کمیسیون موافقت کرد تا ۲۰۰۰ ریال اشکالی ندارد) امروز آقای ناصر بن تلفن کردند فرمودند که گذشتن زین لایحه و ورشکستگی بانك کارگشائي است (نقابت - بدارك که ورشکست بشود بجهت که ورشکست بشود) آقای نقابت تصور میکنم که جنابعالی منشأ اخلاق بودید این تغییر بنده آنهم باین صورت شایسته نیست جناب آقای نقابت شما معنی ادب و نزاکت بودید اگر از جبات دیگر دلتنگ نیستید چرا برادر دمتدندان اینطور حمله عموماً مبلغش پائین است و علاوه وقتی که معلوم شد که تا هزار ریال یا دوهزار و پانصد ریال صدی يك بدهد آن یکی که دوهزار تومان می خواهد چهار مرتبه می آید معامله می کنند در بانك کارگشائي اسم مدخلیت ندارد بدکار کارگشائي مدخلیت ندارد بدکار اموالی است که آنجا میگذارند وقتی که قالیچه اش را برود کرد گذاشت پول می گیرد بنا بر این يك کسی که هزار تومان میخواهد بجای اینکه اینتر بانك مرتبه برود بگیرد مبلغ بیشتری کار مزد بدهد اینتر چهار مرتبه می رود و میگیرد و نتیجه اش اینست که هزار تومان را یک درصد بگیرد عرض کنم که این صدی يك ببرد فقر اینخورد (بناهی - کاملاً صحیح است) و برای فقر نیست اشتباه است من نمیگویم آقا حسن نیت ندارم ممکن است حسن نیت داشته باشند ولی این حرارت و انرژی را در مسائل بالاتر بکار ببرند صد تومان پول قرض دادن جناب آقای نقابت صد تومان قرض دادن یا ندادن به مردم که عصبانیت ندارد (نقابت - آقای ناصر پنج میلیون اعتبار ندهد ب مردم که اسکولاسیون بکنند) تأیید عرض بنده است این قرض ها باین ربح های پائین معنایش و لازمه اش هست اینست که بدانید که این حکم به همین ورشکستگی ها است همین اختلال امور بازار گانی است که آقایان الان دارند ناله اش را میفرمائید بهر تقدیر الان آقای وزیر دارائی اینجا تشریف خواهند داشت و البته اگر اشکال برای این لایحه میدیدند شدنه اهل قرضه سفته دارم و نه سوار دارم عین سرمایشان از بین میروند چهار پنج میلیون

نقابت - بنده يك سفته هیچ جا ندارم يكشاهی هم ندارم لات ولوت و آسمان جل اما باین فقرای بدبخت اقلار هم کنید اینقدر با آنها فشار نیاورید و اینقدر مغفقت نگیرید

نایب رئیس - آقای صفائی شما مخالف این لایحه هستید صحبتتان را ادامه بدهید

عبدالصاحب صفائی - آقامن

مجبورم که باینطور زقیافه و تغییر جواب بدهم من مجبورم عقیده ام را عرض کنم (نقابت - شما عقیده تان را نمیگوئید عقیده آقای مدیر کل بانك را میگوئید) و عرض کنم که این صدی يك ببرد فقر اینخورد (بناهی - کاملاً صحیح است) و برای فقر نیست اشتباه است من نمیگویم آقا حسن نیت ندارم ممکن است حسن نیت داشته باشند ولی این حرارت و انرژی را در مسائل بالاتر بکار ببرند صد تومان پول قرض دادن جناب آقای نقابت صد تومان قرض دادن یا ندادن به مردم که عصبانیت ندارد (نقابت - آقای ناصر پنج میلیون اعتبار ندهد ب مردم که اسکولاسیون بکنند) تأیید عرض بنده است این قرض ها باین ربح های پائین معنایش و لازمه اش هست اینست که بدانید که این حکم به همین ورشکستگی ها است همین اختلال امور بازار گانی است که آقایان الان دارند ناله اش را میفرمائید بهر تقدیر الان آقای وزیر دارائی اینجا تشریف خواهند داشت و البته اگر اشکال برای این لایحه میدیدند شدنه اهل قرضه سفته دارم و نه سوار دارم عین سرمایشان از بین میروند چهار پنج میلیون

نایب رئیس - آقای میراشرافی

پروم قرض بکنم و اگر احتیاج داشته باشم همین سوار را میفرموشم جناب آقای نقابت مصالح عمومی کشور از لحاظ مصالح بانك کارگشائي عرض می کنم که شش میلیون تومان یا هفت میلیون تومان یا صد میلیون تومان در يك رشته ای بگذارند و مجانی با آقایان قرض بدهند بنده این را موافق ولی با سرمایه شش میلیون تومان بانك کارگشائي این عمل صحیح نیست بنا بر این عرض بنده عبارت از این بود که این ماده واحده باین صورت بطوری که بانك ملی بمن اطلاع داده است نتیجه اش ورشکستگی بانك است و بهیچ وجه بدر در فقر او مردمان بی بضاعت نمیخورد و بهیچوجه نتیجه ای نخواهد داشت زیرا موضوع از هزار ریال بیلا شش درصد است اینکه گفتند تا صد و پنجاه تومان يك درصد، خط مبحث است برای اینکه کلمه حق براد بها باطل است این برای این نیست که به بی بضاعت امکی بشود موضوع يك درصد تا ۱۵۰ تومان گفته شده که از ۱۵۰ تومان بیلا گرفته شود صدی شش چون این باین صورت خوب نبوده است ، چون ظاهرش درست نبود ، چون در این مملکت افرادی که منافع خصوصی دارند فوراً پای ضعفا و فقر او بیچارگان را می کشند جلو میگویند تا ۱۵۰ تومان يك درصد و از ۱۵۰ تومان بیلا شش درصد پس مقصود از ۱۵۰ تومان بیلاست می خواهند کار مزد را بیاورند باین بعد بوسیله صدی شش قرض کردن از بانك و بعد بردن و با صدی بیست و پنج معامله کردن استفاده بکنند این دلسوزی هارا ما در موارد دیگر ندیدیم که اینقدر برای مردم فقیر دلسوزی بکنند من واقعا عرضن پیدا کردم هر وقت دیدم در يك جائی برای يك فقیر و بی بضاعت پیراهن پاره میکنند فوراً باید برویم پیدا کنیم علت چیست ؟ چطور شده که احساسات عمومی تجریك شده است؟ مقصود صد تومان فقر نیست مقصود آن صدی شش است که از این مبلغ بالاتر می رود و این خلاف مصلحت کشور و سرمایه کشور و بازار گانی است .

عبدالصاحب صفائی - تا صد و پنجاه تومان اشکالی ندارد بالاتر شش درصد است اشکال دارد اینجا است که میروند استفاده میکنند

پیشنهاد سکوت داده اند که قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که لایحه من بوسیله بانك کارگشائي مسکوت بماند

نایب رئیس - آقای میراشرافی

صدرزاده - اجازه بفرمائید موافق هم صحبت کند

نایب رئیس - پیشنهاد سکوت مقدم است

میراشرافی - بنده هم مثل موافق صحبت میکنم

فرامرزی - اگر مثل موافق صحبت میکنید حق دادن پیشنهاد سکوت ندارید

میراشرافی - بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مستعضر است این موضوع از مدت ها پیش در مجلس رویش بحث میشود که منافع پول اسس را میگذارید کار مزد اسس را میگذارید حق الحفاظه میگذارید، نزول پول ، هر چه اسس را بوسیله بانك تعدیل بشود و يك مقداری از نزول پول کسر بشود (صحیح است) آقای دکتر امینی يك لایحه ای راجع بنشر اسکناس آورده بودند اینجا در آن لایحه بنده پیشنهاد کردم که بانك ها بطور کلی از چهار درصد بیشتر نگیرند جناب آقای شوشتری اعتراض فرمودند که این برخلاف مذهب است اصلاً اسم نزول را نیابورید در صورتیکه اصل مجمل را دارند میکنند (شوشتری - حالا هم همان عرض را میکنم) ولی اسمش را آوردن پشت تریبون برخلاف مذهب است بهرحال جناب آقای دکتر امینی قبول کردند با اینکه ایشان حاضر نبودند بانجام اینکار معذالك قبول کردند دولت بانك کارگشائي یعنی آن بانکی که مال طبقه خود جناب آقای صفائی است (عبدالصاحب صفائی - بنده جزو اقلیتا هستم آقای نقابت جزو فقرا هستند)

نایب رئیس - آقای میراشرافی

نه این را قبول ندارم یعنی مال آن با برهنه ها (عبدالصاحب صفائی - بنده کفش بایم است) و فقیر بیچاره ها که زمستان باید لحاف گرسی و کفش بپوشان را کرد بگذارند و پول بگیرند این يك تناسبی قائل شده اند که تا هزار ریال بیش از يك درصد نگیرند حالا آقایان اعضای بانك کارگشائي قائل شده اند که بانك ضرر میکند بفرمائید جناب آقای نقابت بجهت که ضرر میکند (صحیح است) بانك کارگشائي که اداره مالیات برود آمد نیست بانك کارگشائي برای تعاون مردم است بانك کارگشائي سرمایه اش متکی بر سرمایه بانك ملی است در سال بانك ملی ۳۰ میلیون تومان استفاده میکند و سود میبرد از محل آن سی میلیون تومان باید بردارد و این ضرر را تأمین بکنند و آمدند مشتبه شدند که سرمایه این بانك شش میلیون تومان بیشتر نیست و تا صد و پنجاه تومان يك درصد بکنند در صورتیکه

عبدالصاحب صفائی - تا صد و پنجاه تومان اشکالی ندارد بالاتر شش درصد است اشکال دارد اینجا است که میروند استفاده میکنند

پروم قرض بکنم و اگر احتیاج داشته باشم همین سوار را میفرموشم جناب آقای نقابت مصالح عمومی کشور از لحاظ مصالح بانك کارگشائي عرض می کنم که شش میلیون تومان یا هفت میلیون تومان در يك رشته ای بگذارند و مجانی با آقایان قرض بدهند بنده این را موافق ولی با سرمایه شش میلیون تومان بانك کارگشائي این عمل صحیح نیست بنا بر این عرض بنده عبارت از این بود که این ماده واحده باین صورت بطوری که بانك ملی بمن اطلاع داده است نتیجه اش ورشکستگی بانك است و بهیچ وجه بدر در فقر او مردمان بی بضاعت نمیخورد و بهیچوجه نتیجه ای نخواهد داشت زیرا موضوع از هزار ریال بیلا شش درصد است اینکه گفتند تا صد و پنجاه تومان يك درصد، خط مبحث است برای اینکه کلمه حق براد بها باطل است این برای این نیست که به بی بضاعت امکی بشود موضوع يك درصد تا ۱۵۰ تومان گفته شده که از ۱۵۰ تومان بیلا گرفته شود صدی شش چون این باین صورت خوب نبوده است ، چون ظاهرش درست نبود ، چون در این مملکت افرادی که منافع خصوصی دارند فوراً پای ضعفا و فقر او بیچارگان را می کشند جلو میگویند تا ۱۵۰ تومان يك درصد و از ۱۵۰ تومان بیلا شش درصد پس مقصود از ۱۵۰ تومان بیلاست می خواهند کار مزد را بیاورند باین بعد بوسیله صدی شش قرض کردن از بانك و بعد بردن و با صدی بیست و پنج معامله کردن کردن استفاده بکنند این دلسوزی هارا ما در موارد دیگر ندیدیم که اینقدر برای مردم فقیر دلسوزی بکنند من واقعا عرضن پیدا کردم هر وقت دیدم در يك جائی برای يك فقیر و بی بضاعت پیراهن پاره میکنند فوراً باید برویم پیدا کنیم علت چیست ؟ چطور شده که احساسات عمومی تجریك شده است؟ مقصود صد تومان فقر نیست مقصود آن صدی شش است که از این مبلغ بالاتر می رود و این خلاف مصلحت کشور و سرمایه کشور و بازار گانی است .

بمقدمه من اگر آقایان بخوانند خدمتی بطبقه محروم بکنند همین است که موافقت بکنند که کجده افل تا همان هزار تومان که دکتر امینی و شخص مدیر کل بانك قبول کرده است قبول بکنند که يك درصد باشد (عبدالصاحب صفائی - صدی شش تخفیف راحت ف کنید) بنده چند روز قبل يك کاری داشتم در بانك کارگشائي ولی برای سفته گرفته بودم برای اینکه بانك کارگشائي برای اموال منقول پول میدهد آنجا يك استواز باز نشسته ای را دیدم آمده بود لحاف و تشك و زند کیش را گرو بگذارند (نقابت - رحم و انصاف کو) و گفت که شش بچه دارم همه بدبخت و گرسنه حالا آمده ام اینها را گرو بگذارم و میکت بچه های من کم برون کردند که خودشان را مسموم بکنند بفرمائید و از این زندگی نجات پیدا بکنند مال اینهاست و بنده استدعا کردم که حضرت عالی يك تجدید نظری خودتان بفرمائید که بهمان شکل باشد (شوشتری - پس تا هزار تومان باشد)

نایب رئیس - آقای مخبر

مخبر (مشایخی) عرض کنم راجع به مؤسسات مالی جناب آقای صفائی چون جنابعالی نماینده مجلس شورای ملی هستید در بانك توضیحات و فرمایشاتتان از نقطه نظر نمایندگی در بانك و اطلاع و بصیرتی است که در امور بانکی من حیث وظیفه برای شما پیدا شده است بنده معتقدم که در امور بانکی و دو امور مالی از دو نقطه نظر باید صحبت کرد در امور مالی باید عدد رقم را رویش تکیه کرد و سود و زیان و از نقطه نظر اقتصاد کشور و از نقطه نظر مصالح مملکت غالباً اتفاق می افتد که بموضوع سود و زیان نباید توجه کرد حالا بنده در این موضوع و موضوع حق الحفاظه و کار مزد مطالبی به اطلاع آقایان میرسانم و از جناب آقای نقابت هم خواهش میکنم توجه بفرمائید

نایب رئیس - پس رای میگیریم بماده واحده و تصویب گزارش کمیسیون آقایان که موافق هستند قیام بفرمائید خواهش میکنم بایستید مطابق آیین نامه آقایان منشی ها باید بفرمائید هر کاری ترتیبی دارد اگر همه آقایان هم بایستید باید منشی ها

پروم قرض بکنم و اگر احتیاج داشته باشم همین سوار را میفرموشم جناب آقای نقابت مصالح عمومی کشور از لحاظ مصالح بانك کارگشائي عرض می کنم که شش میلیون تومان یا هفت میلیون تومان در يك رشته ای بگذارند و مجانی با آقایان قرض بدهند بنده این را موافق ولی با سرمایه شش میلیون تومان بانك کارگشائي این عمل صحیح نیست بنا بر این عرض بنده عبارت از این بود که این ماده واحده باین صورت بطوری که بانك ملی بمن اطلاع داده است نتیجه اش ورشکستگی بانك است و بهیچ وجه بدر در فقر او مردمان بی بضاعت نمیخورد و بهیچوجه نتیجه ای نخواهد داشت زیرا موضوع از هزار ریال بیلا شش درصد است اینکه گفتند تا صد و پنجاه تومان يك درصد، خط مبحث است برای اینکه کلمه حق براد بها باطل است این برای این نیست که به بی بضاعت امکی بشود موضوع يك درصد تا ۱۵۰ تومان گفته شده که از ۱۵۰ تومان بیلا گرفته شود صدی شش چون این باین صورت خوب نبوده است ، چون ظاهرش درست نبود ، چون در این مملکت افرادی که منافع خصوصی دارند فوراً پای ضعفا و فقر او بیچارگان را می کشند جلو میگویند تا ۱۵۰ تومان يك درصد و از ۱۵۰ تومان بیلا شش درصد پس مقصود از ۱۵۰ تومان بیلاست می خواهند کار مزد را بیاورند باین بعد بوسیله صدی شش قرض کردن از بانك و بعد بردن و با صدی بیست و پنج معامله کردن کردن استفاده بکنند این دلسوزی هارا ما در موارد دیگر ندیدیم که اینقدر برای مردم فقیر دلسوزی بکنند من واقعا عرضن پیدا کردم هر وقت دیدم در يك جائی برای يك فقیر و بی بضاعت پیراهن پاره میکنند فوراً باید برویم پیدا کنیم علت چیست ؟ چطور شده که احساسات عمومی تجریك شده است؟ مقصود صد تومان فقر نیست مقصود آن صدی شش است که از این مبلغ بالاتر می رود و این خلاف مصلحت کشور و سرمایه کشور و بازار گانی است .

عبدالصاحب صفائی - تا صد و پنجاه تومان اشکالی ندارد بالاتر شش درصد است اشکال دارد اینجا است که میروند استفاده میکنند

پروم قرض بکنم و اگر احتیاج داشته باشم همین سوار را میفرموشم جناب آقای نقابت مصالح عمومی کشور از لحاظ مصالح بانك کارگشائي عرض می کنم که شش میلیون تومان یا هفت میلیون تومان در يك رشته ای بگذارند و مجانی با آقایان قرض بدهند بنده این را موافق ولی با سرمایه شش میلیون تومان بانك کارگشائي این عمل صحیح نیست بنا بر این عرض بنده عبارت از این بود که این ماده واحده باین صورت بطوری که بانك ملی بمن اطلاع داده است نتیجه اش ورشکستگی بانك است و بهیچ وجه بدر در فقر او مردمان بی بضاعت نمیخورد و بهیچوجه نتیجه ای نخواهد داشت زیرا موضوع از هزار ریال بیلا شش درصد است اینکه گفتند تا صد و پنجاه تومان يك درصد، خط مبحث است برای اینکه کلمه حق براد بها باطل است این برای این نیست که به بی بضاعت امکی بشود موضوع يك درصد تا ۱۵۰ تومان گفته شده که از ۱۵۰ تومان بیلا گرفته شود صدی شش چون این باین صورت خوب نبوده است ، چون ظاهرش درست نبود ، چون در این مملکت افرادی که منافع خصوصی دارند فوراً پای ضعفا و فقر او بیچارگان را می کشند جلو میگویند تا ۱۵۰ تومان يك درصد و از ۱۵۰ تومان بیلا شش درصد پس مقصود از ۱۵۰ تومان بیلاست می خواهند کار مزد را بیاورند باین بعد بوسیله صدی شش قرض کردن از بانك و بعد بردن و با صدی بیست و پنج معامله کردن کردن استفاده بکنند این دلسوزی هارا ما در موارد دیگر ندیدیم که اینقدر برای مردم فقیر دلسوزی بکنند من واقعا عرضن پیدا کردم هر وقت دیدم در يك جائی برای يك فقیر و بی بضاعت پیراهن پاره میکنند فوراً باید برویم پیدا کنیم علت چیست ؟ چطور شده که احساسات عمومی تجریك شده است؟ مقصود صد تومان فقر نیست مقصود آن صدی شش است که از این مبلغ بالاتر می رود و این خلاف مصلحت کشور و سرمایه کشور و بازار گانی است .

بانه شود میخوام روی این موضوع توضیح بدهم که آقایان قضای که می فرمائید با انکاء گذشته و سابق باشد بر اساس نرخ های قبل از قانون سال ۱۳۳۳ بانک کارگشائی ۱۷۸۱۹۰۴۷۵ ریال سود داشته است در ضمن قانون پشتوانه اسکناس نرخ نزول بانک ها (فرامرزی- فرجی) را حساب نکردید (سود ویژه به اندازه وضع خرج یک میلیون ریال هر یک از این مؤسسات بانکی با سرمایه مخصوص اداره میشود یک واحد مستقلی است بانک ترازنامه سالیانه دارد خرجش را خودش میدهد و دخلش را در آخر سال انتقال میدهند بحساب بانک ملی بنابراین این رقمی که بهر ضرات رساندم سود ویژه حتی بعد از پرداخت مالیات بردار آمد بوده است البته بانک کارگشائی برای سود تأسیس نمیشود برای کمک بقراومستندان برای دادن اعتبار بکسانی که بالاخره احتیاج و نیاز بقرض دارند و در مقابل اموال منقول میروند میگیرند این بانک ایجاد نشده برای منافع سرشار ضمن قانون پشتوانه اسکناس مطلبی که مورد بحث واقع شد این بود که اصولاً نرخ نزول در بازار خیلی زیاد است و حتی دستهای معتمد بودند که بانک های داخلی کشور هم نرخ نزولشان زیاد است در تمام ممالک نرخ نزول از صدی چهار و صدی شش تجاوز نمی کند و حال آنکه بانک ملی در مقابل اعتباراتی که بی بازار کاتبان میدهد کمتر از صدی نه نزول نمیکرد (عبدالرحمن فرامرزی) همه بان یک چیز توجه نکردید و آن اینکه بانک کارگشائی جنس را بقیمت خودش نمی گیرد ده هزار ریال را دو صد تومان میکرد (صحت در اطراف نزول است بهر حال اصولاً این مبلغ سودی که در بازار دریافت میکنند برای نزول پول و بانکها میکیند بهر طور دل همه اش سندی است اگر بجوایم رفاه و کثایش و رواج در بازار پیدا بشود اول بعقیده من بانکهای اعتبار دهنده باید نرخ نزول را باینجا بیاورند نباید معتمد بشویم که در بازار نرخ نزول از صدی پانزده و سی هیجده تنزل کنند بهر حال در ضمن قانون پشتوانه اسکناس آمدند آن نرخ های لازم را در مورد تغییر دادند و گفته شد حق الحفظه و نرخ مزد بانک کارگشائی در مقابل اموال منقول بهر عنوانی که ریخت میدارد با سستی تا مبلغ ده هزار ریال آن صدی یک و مازاد از صدی چهار نباید تجاوز کند بر اساس این قانون سود و بزرگای که در سال ۱۳۳۳ بود یکمتر به دراز سقوط نرخها تبدیل بزبان شد زبان بانک کارگشائی در سال ۱۳۳۴ بر اساس این قانون پشتوانه اسکناس ارقام و باتوجه باینکه طبقه ضعیف باید مورد حمایت قرار داده شود این ماده واحده را

من از نقطه نظر مغیر بودن اطلاعاتی را که مربوط باین قانون است لازم بود که تحصیل کنم و بجنابهای عرض کنم من ترازنامه بانک را نگرفته ام که کنترل کنم و ریفه کنم که هزینه اش بالا رفته است یا رفته و از این لحاظ فقط دورتر میمدهم .

۱ - در زمان سابق و گذشته .

۲ - بعد از وضع این قانون بانک کارگشائی ۴ میلیون و کسری ضرر داشته (یک نفر از نمایندگان - ریال با تومان ؟) ریال است . این مطلب مورد توجه بانک واقع شد و بوسیله وزارت دارائی لایحه ای دادند که بر اساس آن لایحه زبان نداشته باشند این لایحه آمد بکمیسون آقای ناصر رئیس محترم بانک ملی ایران هم در کمیسون دعوت شد و هم انطوری که فرمودند با حضور اعضای کمیسون ایشان این توضیحات را دادند که آقا ما ضرر داریم (دکتر جزایری - صد میلیون تومان منفعت میکنند آن منفعت را بگذارند روی این ضرر) و راه حلی پیدا کنید که ضرر نکنیم حالاً ما باید ضرر کنیم با منفعت ببریم آن مطلب دیگری است ما آمدیم بر اساس توضیحاتی که آقای ناصر داد یک سوا سونی پیدا کردیم که بانک ضرر ندهد البته بانک کارگشائی نباید منفعت داشته باشد . این بانک برای فقر است برای کسانی است که همانطوریکه جناب آقای رئیس گفتند بی بضاعت و بیچاره اند برای آنها تأسیس شده است . نشستم مذاکره کردیم باین نتیجه رسیدیم که کسانی که وام دریافت میکنند و جزء مستندان و فقرا هستند از اینها کار مزد خیلی ناچیزی گرفته بشود و باین جهت است که در این قانون پیش بینی کردیم ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال صدی یک (صد هزاره - ۱۰۰۰ ریال است) تا دوهزار و پانصد ریال صدی یک است حالاً اجازه فرمائید بنده قانون را میخوانم جمع حق الحفظه و کسار مزد دریافتی بانک کارگشائی موضوع تبصره ماده ۴ قانون تثبیت پشتوانه اسکناس بموجب تیرماه ۱۳۳۳ از تاریخ تصویب این قانون تا ۲۰۰ ریال یک درصد مازاد بر آن شش درصد خواهد بود . بنابراین فرقی که این قانون با قانون پشتوانه اسکناس کرده است این است که در قانون سابق مازادش مشمول نرخ صدی چهار بود حالاً آمده ایم مازادش مشمول نرخ صدی شش کرده ایم . این موضوع را جناب آقای صغائی آقای ناصر قبول کرد یعنی باتوضیحاتی که دادیم گفت ما طبقه پایین دست نیزیم و اگر در قدمت مازاد بر ۲۰۰ ریال صدی چهار را صدی شش بکنیم دیگر بانک ضرر نخواهد کرد بنابراین مقصود تأمین شده است و من تقاضا میکنم از آقایان با توجه باین ارقام و باتوجه باینکه طبقه ضعیف باید مورد حمایت قرار داده شود این ماده واحده را

تصویب فرمائید صرفین مطلب مورد توجه واقع شده اند اجاف هم شده است و برای آن کسانی که پول زیاد میگیرند نرخ صدی شش بی تناسب است .

۹ - معرفی آقای دکتر علیقلی اردلان بوزارت امور خارجه بوسیله آقای نخست وزیر

نایب رئیس - آقای نخست وزیر

نخست وزیر (آقای علاء) - بنده افتخار دارم جناب آقای دکتر اردلان را (بسیار بسیار مبارک است) (فرامرزی - چی مبارک است ؟) بوزارت امور خارجه که تخصص در امور آنجا دارند معرفی کنم و بصداق لائنتی الاموال وقت تک امیدوارم که دیگر تغییری در این مقام ایشان پیدا نشود و با احاطه ای که ایشان در وزارت خارجه دارند در امور بین المللی خدمات شایانی بمملکت بنمایند (انشاء الله) (مبارک است)

۱۱ - بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون دارائی راجع بهمیزان حق الحفظه بانک کارگشائی و ارسال آن بمجلس سنا

نایب رئیس - آقای صد هزاره

صد هزاره - بنده میخوانم دو نکته را خدمت آقایان عرض کنم که در این قوانینی که در مجلس مطرح میشود هیچ موجهی ندارد که ما بر سر اینها یک مناقشائی بکنیم که شایسته شأن مجلس نباشد هر چه مصلحت مردم است همان باید بشود . نکته دیگر که میخوانم عرض کنم این است که بانک و مؤسسات مالی که نمی توانند بصورت کمیسون های اعانه باشند . اینها فقط باید وضعشان طوری باشد که بتوانند کمکی بکنند اینکه زبان بدهند . مقصود از بانک کارگشائی این بوده است که یک مقدار از سرمایه بانک ملی در اختیار ضعیف مردم قرار بگیرد که بتوانند با بهره و حق الحفظه کمتری مورد استفاده قرار بدهند البته کمک بانک کارگشائی این خواهد بود که از اینکار سودی منظور نداشته باشند . بنده اتفاقاً با رئیس بانک کارگشائی بوسیله تلفن تماس گرفتم و این اطلاعات را از ایشان کسب کردم و اگر اجازت فرمائید اطلاعاتی را که کسب کردم در اختیار آقایان میگذارم تا هر چه صلاح بدانند انجام شود . ایشان گفتند که اولاً ما بنا داشتیم شعبات این بانک کارگشائی را در شهر ستانها افتتاح کنیم و بیش از چند نقطه نتوانستیم این را ادامه بدهیم برای این که ما گذشته از این که عایدات نداشته ایم ضرر هم داشتیم و نتوانستیم در شهر ستانها اینکار را بصورتیکه در شهر ستانها بیشتر احتیاج دارند دولت هم این بود که ما یک مقدار از انابه از مردم دریافت میکنیم که اولاً لازمست برای اینها یک پنجاه

مرض میکنم شهید الله منظورم تظاهر نیست میخوانم عرض کنم یکش تمام دستگاههای کشور یک درصد منوبات اعلیحضرت همایونی را پیروی میکردند (فرامرزی - همین را میگویند تظاهر) و یکش آقایان را پس میگیم آقای رئیس بانک کارگشائی تصور فرمودند که بانک کارگشائی بانکی است مجزا از بانک ملی ایران در باطن و آن وضع دلخراش مردم را آنجا میدیدند که باجه سرافکنندگی و باجه شرمندگی بانکی سوار دست گرفته یکی اجاف دست گرفته باجه وضعی باجه حالی برای امرار حیات خودشان (صد هزاره - آنها ای که موافق صحبت کردند پیش از شما گفتند و تظاهر هم نکردند شما بظاهر میگویند ما بعقبت میکنیم . این حرفها چیست میزند ؟) من آقای صد هزاره اختیار خودم را دارم آنچه را که رفتم دیدم و مشاهده بدبختی که ضامن تأمین هزینه این دستگاهها هستند یا باید بآنها کمک کرد یا باید درش زراست و کمک نکرد برای رضای خدا کنند با نرخ ۱۰۰ و ۱۲۰ خواهد بود و اگر هم در مازاد از با خواران بخواهند بگیرند باید ۰۲۴ بدهند . بنابراین اگر یک تصمیمی اتخاذ نشود که بانک کارگشائی دخل و خرج بکنند نتیجه این خواهد شد که از ادامه کار خود داری میکند و نتیجه این خواهد شد که با خواران بر میزان سود و بهره اضافه کنند بنظر بنده اگر با پیشنهاد بانک کارگشائی موافقت بشود و عواید بیشتری پیدا کند و اقلاً اندازة خرجی که میکند عایدات داشته باشد و امکان اینهم باشد که در شهر ستانها بانک شعبات خودش را افتتاح کند بهتر از این خواهد بود که برای او ایجاد ضرر کند و مجبور شود که از این نوع کمک صرف نظر کنند بنابراین تصور میکنم با این اطلاعاتی که ایشان دادند و این مؤسساتی که بعداً افتتاح شوند مقتضی باشد آقایان موافقت فرمایند با این لایحه تا اینکه عه ای از این اشخاص که تا دوهزار و پانصد ریال احتیاج دارند دچار گرفتار با خواران نشوند و بتوانند از حق الحفظه صدی یک استفاده کنند پیشنهاد اول هزار و پانصد ریال بوده که بعداً در کمیسون دوهزار و پانصد ریال ترفی داده شد و البته این یک درصد هم که ملاحظه فرمائید برای حفاظت اموال و بیمه شدن همین اندازه خرج دارد و اما آن طبقات بالاتر هم ۲۰۰ تومان فرض میکردند اشکالی ندارد که تا میزان صدی شش بدهند چون اگر بخواهند از جاهای دیگر قرض کنند باید چندین برابر این مبلغ را بپردازند و بازم همین صدی شش حق الحفظه را بپردازند

و یک انبارهای مجهزی باشد که بتوانیم حفظ کنیم .

تألیاً اینها را بیمه میکنیم و یک دهرزار باید حق بیمه بشرکت بیمه میدهم و در ضمن عمل مشاهده کرده ام که با صدی یک حق الحفظه گذشته از این که بانک هیچگونه فایدهای در این بین نمیببرد زبان هم میدهد و البته برای یک مؤسسه بانکی بهیچوجه مصلحت نیست و خود نمایند ان محترم هم اجازه نمیدهند که یک مؤسسه ای دایر باشد و تماماً برای دولت و مملکت ضرر ایجاد کند بنابراین با تجربه ای که پیدا کردیم باین نتیجه رسیدیم که برای طبقات ضعیف مملکت که حد احتیاج آنها تا حدود دوهزار و پانصد ریال است همان حق الحفظه ای که سابق بوده است به میزان صدی یک شش و بازم در این نوع استقراض کمکی برای قرض کنندگان است زیرا آنها اگر بخواهند از بانک ملی آن قرضه را دریافت کنند با نرخ ۱۰۰ و ۱۲۰ خواهد بود و اگر هم در مازاد از با خواران بخواهند بگیرند باید ۰۲۴ بدهند . بنابراین اگر یک تصمیمی اتخاذ نشود که بانک کارگشائی دخل و خرج بکنند نتیجه این خواهد شد که از ادامه کار خود داری میکند و نتیجه این خواهد شد که با خواران بر میزان سود و بهره اضافه کنند بنظر بنده اگر با پیشنهاد بانک کارگشائی موافقت بشود و عواید بیشتری پیدا کند و اقلاً اندازة خرجی که میکند عایدات داشته باشد و امکان اینهم باشد که در شهر ستانها بانک شعبات خودش را افتتاح کند بهتر از این خواهد بود که برای او ایجاد ضرر کند و مجبور شود که از این نوع کمک صرف نظر کنند بنابراین تصور میکنم با این اطلاعاتی که ایشان دادند و این مؤسساتی که بعداً افتتاح شوند مقتضی باشد آقایان موافقت فرمایند با این لایحه تا اینکه عه ای از این اشخاص که تا دوهزار و پانصد ریال احتیاج دارند دچار گرفتار با خواران نشوند و بتوانند از حق الحفظه صدی یک استفاده کنند پیشنهاد اول هزار و پانصد ریال بوده که بعداً در کمیسون دوهزار و پانصد ریال ترفی داده شد و البته این یک درصد هم که ملاحظه فرمائید برای حفاظت اموال و بیمه شدن همین اندازه خرج دارد و اما آن طبقات بالاتر هم ۲۰۰ تومان فرض میکردند اشکالی ندارد که تا میزان صدی شش بدهند چون اگر بخواهند از جاهای دیگر قرض کنند باید چندین برابر این مبلغ را بپردازند و بازم همین صدی شش حق الحفظه را بپردازند

که کمال ازادت و عقیدت را بایشان دارم بیاناتی فرمودند اما فرمایشات ایشان که متکی به بیانات رئیس بانک کارگشائی بود مرا قانع نکرد و برای بنده قانع کننده نبود من نظر خودم را عرض می کنم و پیشنهادم را پس میگیم آقای رئیس بانک کارگشائی تصور فرمودند که بانک کارگشائی بانکی است مجزا از بانک ملی ایران در باطن و آن وضع دلخراش مردم را آنجا میدیدند که باجه سرافکنندگی و باجه شرمندگی بانکی سوار دست گرفته یکی اجاف دست گرفته باجه وضعی باجه حالی برای امرار حیات خودشان (صد هزاره - آنها ای که موافق صحبت کردند پیش از شما گفتند و تظاهر هم نکردند شما بظاهر میگویند ما بعقبت میکنیم . این حرفها چیست میزند ؟) من آقای صد هزاره اختیار خودم را دارم آنچه را که رفتم دیدم و مشاهده بدبختی که ضامن تأمین هزینه این دستگاهها هستند یا باید بآنها کمک کرد یا باید درش زراست و کمک نکرد برای رضای خدا کنند با نرخ ۱۰۰ و ۱۲۰ خواهد بود و اگر هم در مازاد از با خواران بخواهند بگیرند باید ۰۲۴ بدهند . بنابراین اگر یک تصمیمی اتخاذ نشود که بانک کارگشائی دخل و خرج بکنند نتیجه این خواهد شد که از ادامه کار خود داری میکند و نتیجه این خواهد شد که با خواران بر میزان سود و بهره اضافه کنند بنظر بنده اگر با پیشنهاد بانک کارگشائی موافقت بشود و عواید بیشتری پیدا کند و اقلاً اندازة خرجی که میکند عایدات داشته باشد و امکان اینهم باشد که در شهر ستانها بانک شعبات خودش را افتتاح کند بهتر از این خواهد بود که برای او ایجاد ضرر کند و مجبور شود که از این نوع کمک صرف نظر کنند بنابراین تصور میکنم با این اطلاعاتی که ایشان دادند و این مؤسساتی که بعداً افتتاح شوند مقتضی باشد آقایان موافقت فرمایند با این لایحه تا اینکه عه ای از این اشخاص که تا دوهزار و پانصد ریال احتیاج دارند دچار گرفتار با خواران نشوند و بتوانند از حق الحفظه صدی یک استفاده کنند پیشنهاد اول هزار و پانصد ریال بوده که بعداً در کمیسون دوهزار و پانصد ریال ترفی داده شد و البته این یک درصد هم که ملاحظه فرمائید برای حفاظت اموال و بیمه شدن همین اندازه خرج دارد و اما آن طبقات بالاتر هم ۲۰۰ تومان فرض میکردند اشکالی ندارد که تا میزان صدی شش بدهند چون اگر بخواهند از جاهای دیگر قرض کنند باید چندین برابر این مبلغ را بپردازند و بازم همین صدی شش حق الحفظه را بپردازند

اینکه مردم بدبخت بیچاره ای بیاندوسایانشان را آنجا بگذارند و استفاده کنند بنده در جزئیاتش نمیتوانم وارد شوم هر جور که صلاح است تصمیم بگیرید بنده خواستم این مطلب را از طرف آقایان آقای رئیس بانک کارگشائی بگویم که آقایان من شما اولاً موسسه تان از بانک ملی ایران جدا نیست بانک ملی ایران سالی فلان قدر منفعت می کند یکی از شعباتش هم مبلغی جزئی برای رفاه حال مردم این مملکت ضرر میدهد همانطوریکه دولت بابت بیمه های اجتماعی سالی بیست میلیون با سی میلیون میخوانم در این موسسه هم که مربوط بملت ایران و رفاه مردم است سالی دو صد سیصد پانصد یک میلیون تومان ضرر میدهد در مقابل آن از جای دیگر استفاده میبرید .

بنابراین استدلال آقای رئیس بانک کارگشائی را که برای آقای سهر زاده فرموده بودند بنده قانع کننده نمی بینم خواستم این مطلب را تذکر بدهم و پیشنهاد خود را هم پس میگیم (عبدالصاحب صغائی - یعنی میفرمائید بانک ملی هم مثل بودجه مملکت بشود ؟ می کسر بیارود و می فرض کنند ؟)

نایب رئیس - آقای فرامرزی شما موافق هستید ؟

عبدالرحمن فرامرزی - بنده مخالف پیشنهاد آقای دکتر جزایری هستم .

نایب رئیس - پس گرفتند .

فرامرزی - خواستند بگیرند و نگرفتند . حالاً اگر اصرار دارید که پس بگیرند .

نایب رئیس - من چه اصراری دارم اگر پس نکرده اند بفرمائید آقای دکتر جزایری پس گرفتند ؟ (دکتر جزایری - هر طور که جناب عالی بفرمائید)

فرامرزی - پس نگرفتند

عبدالرحمن فرامرزی - من خواستم از این موقعیت استفاده کنم راجع بیک مطلب تذکر بدهم که آقایان تذکر ندادند . دو صد هزار تومان در عرض سال برای یک ملت پولی نیست که آنقدر اهمیت داشته باشد آنچه مهم است این است که آن مرد فقیر آن بیوزن فقیر که وضعش آنجوری است که شام میگوید سوارش را بر میدارد میبرد بیانات قایلش را میبرد بانک کی این کار را میکند وقتی بجان آمد (صبح یول بدهد که این بانک کارگشائی باشد . بانک یکدم قیمتش را قیمت میکند بعد هم یک چندم قیمتی را که کرده است باو میدهد یک قالی پنجاه هزار تومانی یاده هزار تومانی را دو صد الی سیصد تومان میدهد بعد هم قالی می رود و هم کارگشائی نشاءه بیاید فکری بکنند که اگر بخواهد

نایب رئیس - آقای شوشتری مخالف کفایت مذاکرات هستند . بفرمائید شوشتری - بنده عرض از مخالفت با کفایت مذاکرات این بود که آقایان محترم عرض کنم این موضوعی که از نظر رعایت مردم و با فقرا هر چه تغییر میشود

